

فقر، جمعیت، آلودگی

نوشته نفیس صادق

از هر پنج نفر جمعیت دنیا یک نفر در فقر مطلق زندگی می‌کند

نامطلوبش بر محیط‌زیست تأمل شود، توسعه یافت.

تأثیر جانی و ناخواسته توسعه غیر کامل موجب افزایش سریع جمعیت شده است. میزان مرگ و میر کاهش یافته و طول عمر افزایش یافته است. اما هر میزان تولید تأثیر کمتر داشته است. افزایش درآمد و بهبود زندگی کودکان در وهله اول به بزرگتر شدن خانواده‌ها انجامیده است. فقط هنگامی که بر نامریزهای مربوط به توسعه شامل برنامه‌ریزی در مورد خانواده هم می‌گردد اندازه خانواده به نحو چشمگیری کاهش می‌یابد.

تأثیر جانی و ناخواسته دیگر توسعه غیر کامل رشد شدید و گسترده جمعیت شهری است. نظریه کلاسیک توسعه متکی بر این است که شهر حکم موتور رشد اقتصادی را دارد و از این‌رو مشوق شهرنشینی است. اما کسی میزان رشدی بین ۴ و ۷ درصد را همان‌گونه که اکنون در بسیاری از کشورهای در حال توسعه دیده می‌شود پیش‌بینی نمی‌کرد، میزان رشدی که غیر قابل کنترل می‌نماید.

بهرانه‌های بیشتر زاینده‌ها و تسراکمه هستند تا تکنولوژیها و ساختارها. این معضله پیچیده و عجیب است. اگر توسعه به عبارت ساده پاسخ نجر به دنیااست. پس دشمن محیط زیست و از این‌رو ناقض خود نیز هست.

کلیدهای توسعه مدرن

آموزش و پرورش، بهداشت و رشد متوازن جمعیت، همراه با مراقبت ویژه نسبت به وضعیت زنان، کلیدهای توسعه مدرن

از میان برداشتن فقر نخستین و مهمترین ضرورت اخلاقی است؛ ولی برای حفاظت از محیط‌زیست جهانی و سلامت اقتصادی دنیا نیز لازم است. به همه این دلایل ما نمی‌توانیم وضعیتی را تحمل کنیم که در آن یکی از پنج نفر جمعیت دنیا - کلاً قریب به یک میلیارد از مردم دنیا - در فقر مطلق زندگی می‌کنند.

حفاظت از محیط‌زیست لازمه پایان بخشیدن به فقر است - یک منبع ویران شده و به تاراج رفته نمی‌تواند جوابگوی جمعیت فعلی و آتی ما باشد - و رشد آرامتر و مستوایتر جمعیت، هم پیش شرط و هم محصول یافتن راه‌حل برای دو مشکل توأمان محیط‌زیست و فقر هستند.

در گذشته، توسعه اقتصادی را جواب مسئله فقر می‌دانستند و گذار جمعیت را (به مطلب صفحه ۱۷ نگاه کنید) راه‌حل نهایی رشد جمعیت. برخی از لطامات به محیط‌زیست به منزله یک ضرورت توسعه و کم‌اهمیت و حاشیه‌ای تلقی می‌شد. چنین پندارهایی دیگر قابل توجه نیست.

در بسیاری موارد توسعه اقتصادی نه تنها در از میان برداشتن فقر عاجز بوده بلکه با تأثیرات سرگبارش بر رشد جمعیت و خسارت به محیط‌زیست، موجب افزایش فقر نیز شده است. زیرا وقتی کوششهای مربوط به توسعه غیر مؤثرند، نظامهای اقتصادی و اجتماعی موجود را برهم می‌زنند بی‌آنکه در مقابل سودی داشته باشند. حتی زمانی که توسعه مؤثر واقع می‌شود، به نحو گسترده‌ای موجبات آسانی آلودگی و تسابودی محیط‌زیست را افزایش می‌دهند. تکنولوژی صنعتی در بیشتر نقاط دنیا بی‌آنکه درباره تأثیرات

چندین گروه موسسه‌ای معروف در تفری از طریق آوازه‌پسندان به رساندن پیام تنظیم خانواده کمک کرده‌اند. پایین سمت چپ، اونیکا اونونو کینگ سونی آه از نیپره؛ وسط، تاتیانا بالاسیور از مکزیک و جانی لوزانا کوردا از گروه پورتوریکویی «هنود» راست، لی سالونگا از فیلیپین و چارلی ماسو، عضو سابق گروه «هنود».





این کشاورز نیالی که هفت فرزند دارد، داروطلب عظیم‌سازي خود شد او در خانه خود برای تنظیم خانوار و سوادآموزی به خانواده خود و همسایگان جملاتی تشکیل می‌دهد.

پایان دادن به فقر در بیشتر کشورهای، چه صنعتی شده یا در حال توسعه، از اولویت کافی برخوردار نیست. مسلماً فقرا نیز خود اراده و انگیزه در هم شکستن فقرشان را دارند. هر کس که یا به زانگنه‌تین‌ها، دهکده‌ها یا شهرهای نیک‌تیزه گذاشته باشد می‌داند چه تلاش و کوشش زیرکانه‌ای در مبارزه روزانه برای زنده ماندن صرف می‌شود. ما که در حکومت و در کار توسعه هستیم باید یاد بگیریم که سدازه شوئیم. این همه معنای دست شستن از مسئولیت نیست؛ توجه داشته باشید که چه تعداد برنامه‌های حاضر و آماده فقرزادی فقط به این دلیل به نتیجه نرسیده که خود مردم فقیر در طرح و اجرای آن مشارکت نداشته‌اند؛ ببینید چه تعداد دیگری بدان علت ناکام مانده است که با سیاستهای متناقض برخورد پیدا کرده‌اند. به‌خصوص ملاحظه کنید که چطور زنان به کنار گذاشته می‌شوند و چگونه سهم آنان در جامعه و در اقتصاد ملی و محلی در طرحهای دست‌کم گرفته می‌شود که نام «توسعه» را بر پیشانی دارند. این الگو چنان در سراسر این سرزمینها و در مراحل مختلف توسعه پیاده می‌شود که به سختی می‌توان چنین نتیجه گرفت که قصدی در کار بوده است تا زنان را از جامعه توبین کنار بگذارند تا به سلامت همراه بجمعا در خانه بمانند.

هستند. اینها پایه و اساسی برای از میان برداشتن فقر و حفاظت از محیط زیست نیز هستند. منابع مواد غذایی و مواد خام کشورهای در حال توسعه و مهاجر از همه منابع انسانی آنها - برای توسعه متوازن کفایت می‌کنند. مشروط بر آنکه خوب و منجیده به کار گرفته شوند نه برای منافع کوتاه مدت. هدف تمام کسانی که یار توسعه را پرورش می‌گیرند باید در جهت بسوی تادوان سیاست عمومی یا منافع خصوصی و اجتماعی و مرکز از احترام به حقوق و شرافت انسانی باشد. به سر بردن این همه مردم در چنین فقری دلائل فراوان دارد. یکی از آنها مقیاس عظیم خود مسئله است؛ فقرا در هر کشور و به طور کلی در جهان پررشدترین بخش جمعیت هستند. دلیل دیگر آن است که مردم فقیر گرفتار یک دور باطلند. به این معنا که فقر، نبود آموزش و پرورش، عدم توانایی، تغذیه نارسا و کمبود بهداشت همه تقویت‌کننده یکدیگرند. با این همه علت مهم ادامه فقر در مقیاس وسیع کاملاً روشن است - نبود اراده، چه در سطح ملی یا بین‌المللی، برای چاره‌جویی آن. در این باره قولهای زیادی داده می‌شود، ولی به ندرت به آنها عمل می‌شود. بسیاری از نظریه پردازان توسعه اشاره کرده‌اند که فقر می‌تواند همه ما را از میان بردارد. اما بسط آنها اعتیادی نشده است.

مشارکت اجتماع

تجربه نشان می‌دهد که برنامه‌های موفق توسعه همه جانبه آنهايي هستند که به نیازهای ملی از راه اقدام محلی پاسخ می‌گویند و در آنها زن و مرد و فقیر و غنی مشارکت دارند. زیرا برای موفقیت سیاست ملی، خدمات مؤثر و مناسب باید در سطح محلی و خانوادگی عرضه شوند. مهمتر از آن خانوادها و اجتماعات باید در سیاست‌گذاری و روند مدیریت جامعه دخالت داشته باشند.

امروزه تردیدهای زیادی درباره توانایی حکومتها در رساندن خدمات ناشی از توسعه به فقرا و حتی درباره قابلیت حکومتها برای دخالت دادن اجتماعات در تصمیم‌گیری وجود دارد، گرچه در بیشتر کشورها این کار به ندرت به نحو درست صورت گرفته است. هر جا که حکومتها به درستی اقدام کرده‌اند - مثلاً در سریلانکا یا کوستاریکا - تجربه نشان داده است که خدماتی چون آموزش و پرورش، بهداشت، تنظیم خانوادگی، توسعه کشاورزی و حتی خانه‌سازی می‌تواند با مشارکت جامعه صورت بگیرد. گزارشهای اخیر حاکی از آن است که ایالت کراچی، در هند، بیسوانی را عمدتاً به توسط اقدام مشترکی از جانب دولت و جامعه، به کلی ریشه‌کن ساخته است.

جنبه دیگر خدمات‌رسانی خودیاری مردم است. فقرا تقریباً همیشه به خود متکی هستند، زیرا نقطه اتکای دیگری ندارند. وقتی در نظر بگیریم که آنها با امکانات اندک چه دستاوردهایی می‌توانند داشته باشند، عجیب نیست که بنا بر امکانات کافی بتوانند کارهای عظیم‌تری انجام دهند. اجتماعات فقرونده سریلانکا با مبالغ مختصری کمک از خارج و سازمانها از خود نمونه‌ای ساخته‌اند برای یک برنامه خانه‌سازی ملی متکی به خودیاری. گر این سانگ

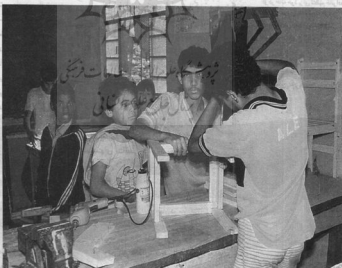
جمع‌های ولگرد برزلی در یک کارگاه نجاری، حرفه‌ای یاد می‌گیرند.

بنگلادش نمونه معروف موفقیت‌آمیزی است از بذل توجه به مردمان فقیر.

آیا تجربه موفق مبتنی بر مشارکت جامعه را می‌توان در قلمروهای دیگر تولید اقتصادی، مثلاً در صنعت یا کشاورزی هم به کار بست؟ تعداد روزافزونی از اقتصاددانان و دیگر تحلیلگران روند توسعه اکنون بر این عقیده هستند. مثلاً اگر تهیه آب برای آبیاری به توسط مصرف کنندگان نظارت و بهای آن پرداخت شود، نتیجه کار مصرف کمتر آب و استفاده مؤثرتر از آن است.

تلفیق هر دو روش بستگی به کشور و جامعه دارد. انعطاف داشتن رمز یک روند موفقیت‌آمیز است. مهمتر از همه درک این نکته که خدمات بهبودی بخش به فقرا یک هدف پراهمیت توسعه به حساب می‌آید که باید در تمام سطوح تبلیغ و تلفیق شود. بانکداری صنعتی در اندونزی در این تردید بود که وام در اختیار آنجمنهای زنان قرار دهد، ولی تجربه نشان داد که آنجمنهای زنان با کمک مالی گرفتن از خارج هم دیون خود را به‌موقع می‌پردازند و هم سرمایه‌گذارهای سودمندی به وجود می‌آورند. بانکهای تجاری اکنون در این زمینه اشتیاق بیشتری از خود نشان می‌دهند.

اگر اهمیت جهانی توسعه به مقیاس کوچک به رسمیت شناخته شود، سازمانهای بزرگ هم - گروههای درون حکومتی، نمایندگیهای چندجانبی، نهادهای بین‌المللی سیاست‌گذاری - باید مهر تأیید خود را بر آن بگذارند. برای خیلی بزرگ همیشه مشکل است که خیلی کوچک را در نظر آورده، اما باید که یاد بگیرند. نمونه‌های فراوانی از پروژه‌های عظیم توسعه با حمایت مالی بین‌المللی وجود دارد که جز صرف هزینه گزافه، خطر آفرینی برای محیط زیست و شکست فاجعه‌آمیز اجتماعی ثمری نداشته است.



تقیس صادق

مدیر اجرایی بنیاد جمعیت سازمان ملل (UNFPA)، بزرگترین منبع چندجانبی کمک به برنامه کنترل جمعیت، او به هنگام مصوب شدنش در ۱۹۸۷، نخستین زنی شد که سرپرستی یک برنامه عظیم متکی به کمک مالی داوطلبان سازمان ملل را به عهده گرفت. او که یک پزشک پاکستانی است مقالات بسیاری در زمینه تنظیم خانوادگی و بهداشت نوشته و کتابی را ویرایش کرده است تحت عنوان جمعیت‌آورد جمعیت‌سازمان ملل متحد (نیویورک، انتشارات دانشگاه، ۱۹۸۲).



مأموران بهداشت در لاهور (پاکستان) به عنوان بخشی از برنامه تنظیم خانواده، دربارهٔ روشهای کنترل بارداری آموزش می‌دهند.

توسعه، بهترین چیزی که ما می‌توانیم بگوییم - و این خود موجب غرور است - این است که برقرار باقی مانسیم. ما حامی بیشترین تعداد انسانی هستیم که تا به حال در این سیاره به طور همزمان سکونت داشته‌اند. ما از سر جنگ هسته‌ای خلاص شده‌ایم و به نظر می‌رسد که خطرات نابودی هسته‌ای را باید با نگاه دیگری ارزیابی کنیم. سازمان ملل فرو نریخت، از هم نپاشید و منحو نشد. بعضی از نهادهای ما قدرتمندتر از پیش هستند و بعضی یاد گرفته‌اند که چطور مؤثر عمل کنند. توافق بین‌المللی بر سر نیاز به اقدام برای محافظت از محیط‌زیست وجود دارد، هر چند که ممکن است در مورد نحوهٔ اقدام توافق نباشد. توافق عملی و نیرومند در مورد ضرورت جهانی رشد جمعیتی متوازتر و آرام‌تر در میان هست.

حتی به نظر می‌رسد که زمانش فرا رسیده تا نسیمه مؤنت جمعیت جهان بتواند در سرمایه‌گذاری برای توسعهٔ هشتم خوش را به دست بیاورد و اجازهٔ آن را بیابد که در کنار توسعهٔ مشارکتی کاملتر داشته باشد. جامعهٔ بین‌المللی این را می‌تواند دریابد که کمک به فقرا برای نجات از فقر ممکن است رمز زنده ماندن بقیهٔ ما باشد. ■

تلقی برای سازمان ملل متحد

نظام سازمان ملل در دوران پس از جنگ سرد گساره‌های فراوانی را برهمه داشته است. این نظام تاکنون ارزش خود را به منزلهٔ یک مجمع همگانی، سیطرهٔ بسیاری پست‌ترستی رویکردهای مختلف توسعه، به ثبوت رسانیده است. ارزش خود را به عنوان یک کانال برای کمک به توسعه، بدون وابستگی به ایدئولوژی یا رویکردی خاص، نشان داده است. اکنون منابع بیشتری مورد نیاز است تا این نظام بتواند در مسیر یک توافق نوین بین‌المللی ترکیب توسعه، تلاش کند. شاید برای مؤثر بودن آنی نظام سازمان ملل، حسن جهت‌یابی درست، مهم‌تر از منابع باشد. سازمان ملل یک نظام بین‌دول است و در نهایت خود حکومت هر کشور است که باید تصمیم بگیرد تا چه حد می‌خواهد مؤثر باشد. کاملاً روشن است که بخشهای گوناگون این نظام نیاز به هماهنگی بیشتر دارند. به همین قیاس آشکار است که نمایندگان ما و نحوهٔ گسارگری، جهت‌گیری سیاسی و مدیرنتشان پراکنده‌اند و نیاز به تجدیدنظر و بررسی دوباره دارند تا بتوانند پاسخگویی نیازهای قرن بعد بیابند. پس از سه دهه